

دیرپای گرایبی؛ راهکار توسعه پایدار

رضا غیائی
کارآفرین و تحلیلگر اقتصادی

از گفت و گوهایی که سال گذشته با برخی مدیران ارشد شرکت‌های بخش خصوصی،

غیردولتی و دولتی کشور داشتیم متوجه گسترش خطری جدی و کشنده در بین آنها شدم چرا که تعریف مدیران ما از آینده، پیوسته در حال نزدیک‌تر شدن به زمان حال است؛ بدان معنا که اگر تعریف مدیر دهه ۶۰ از «آینده»، مثلا ۲۰ یا ۳۰ سال بعد از آن زمان بوده، مدیر دهه ۹۰ چراغ روشنگر آینده‌اش را فقط تا پایان دوره ریاست جمهوری کنونی می‌بیند. این در حالی است که کوتاه‌مدت‌نگری با خود کوه‌فکری می‌آورد و در بهترین حالت ما را به توسعه هیجانی و نه توسعه پایدار می‌رساند. اکنون کشورمان با مسائل زیادی روبه‌روست که کم و کیف آن بر مخاطب آگاه پوشیده نیست و بد نیست به عنوان مثال از فهرست چالش‌های پنجاه‌و‌دوگانه «آینده‌پژوهی ایران در سال ۱۳۹۶» که توسط مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری تألیف شده، به ۳ چالش برتر آینده کشور شامل بحران تأمین آب، بیکاری و ناامیدی درباره آینده اشاره شود. چالش‌هایی که مسائلی با مقیاس ملی بوده و ما را یاد این گفته آبرت انیشتین در زمینه حل مسئله می‌اندازند که «هرگز نخواهیم توانست با همان ذهنیتی که باعث به وجود آمدن مشکلات هستند، آنها را حل کنیم». با این روند برای رویارویی با مسائل امروز کشور، ابتدا باید مشکل بزرگ‌تری را حل کرد که همان «کوتاه‌مدت‌گرایی» است. این پدیده به دلایل بسیاری همه ابعاد جامعه را فرا گرفته و درک ما از واقعیت را مخدوش کرده است. کوتاه‌مدت‌گرایی است که منجر به پیشنهادهای نرخ بالای سود از طرف برخی بانک‌ها و به طبع آن بی‌ثمر شدن نقدینگی‌های شهروندان برای اقتصاد کشور می‌شود. کوتاه‌مدت‌گرایی است که منجر به افزایش نقدینگی در جامعه شده و افزایش نرخ تورم را به دنبال دارد. کوتاه‌مدت‌گرایان، از نظر توده‌ها، مدیرانی توانا و عملیاتی نامیده می‌شوند و دیرپای‌گرایان که کار اصولی می‌کنند، مدیرانی کند و به‌درنخور! کوتاه‌مدت‌گرایی افق دید مدیران ما را از تعادل خارج کرده و در مقابل آن، لزوم تفکر «دیرپای‌گرایی» از روز روشن تر است. اما چگونه؟ نخستین راهکار «تفکر فرانسلی» است. تفکری که در آن تصمیمات فقط برای یک طول عمر اتخاذ نشوند. تعجیبی نیست که ۸۵ درصد از ۵۰۰ شرکت برتر جهان کسب و کارهای خانوادگی هستند. در این تفکر شخص تصمیم‌گیرنده به آن می‌اندیشد که تصمیمی که امروز می‌گیرد، چه تأثیری بر نسل بعد، دوره بعد و دوره‌های بعد از آن دارد.

راهکار دیگر «تفکر بین‌رشته‌ای» است. زمانی که در مورد آینده می‌اندیشیم، چیزی که خواهیم دید احتمالا حاصل تخیل ماست که از لنز فرهنگی مان به آینده نگاه می‌کند. هیچ چیز به تنهایی راهکار مسائل آینده نیست. لازم است تا مدیران آینده‌نگر در زمان تصمیم‌گیری به این موضوع توجه کنند که یک مسئله از طرق گوناگون، مانند روش‌هایی که مورد علاقه‌شان نیست یا از حوزه تخصص‌شان خارج است، می‌تواند حل شود. نقش هنر، مهندسی، بیولوژی، نانو تکنولوژی، علوم فضایی و... همه باید در مورد یک مسئله در نظر گرفته شود. راهکار دیگر «تفکر تلوسی» است که ریشه یونانی و فلسفی دارد. این تفکر فقط هدف و مقصد غایی پدیده‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد. در این حالت شخص یا اشخاص تصمیم‌گیرنده در مورد مسائل روزشان از خود یک سؤال مهم می‌پرسند: «هدف غایی این کار چیست؟» پاسخ این سؤال بنا بر افق دید مدیر می‌تواند متفاوت باشد. بدیهی است که توضیح در مورد لزوم و تکنیک‌های دیرپای‌گرایی از حوصله این یادداشت خارج و مستلزم اراده مدیران ارشد برای به کارگیری آن است. حال مخاطب آگاه مختار است که تصمیمات خود را چگونه ارزیابی و با چه دید و منظری قضاوت کند.